چارپایی برای علی بن ابی طالب رضی الله عنه آوردند تا بر آن سوار شود؛ هنگامی که پایش را در رکاب گذاشت، گفت: «بِسْمِ اللهِ».

از علی بن ربیعه روایت است که می گوید: دیدم که چارپایی برای علی بن ابی طالب رضی الله عنه آوردند تا بر آن سوار شود؛ هنگامی که پایش را در رکاب گذاشت، گفت: «بِسْمِ اللهِ» و چون بر پشت آن قرار گرفت، گفت: «الحَمْدُ للهِ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ»: «حمد و ستایش از آن الله است، کسی که این [وسیله] را در خدمت ما گماشت و[گرنه] ما خود توان این کار را نداشتیم؛ و ما به پیشگاهِ پروردگارمان بازمی گردیم». سپس سه بار «الحَمْدُ للهِ» و سه بار «اللهُ أَكْبَرُ» گفت و آنگاه این دعا را خواند: «سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ»: «یا الله، تو پاک و منزهی؛ پس مرا بیامرز که به یقین کسی جز تو گناهان را نمی آمرزد». و سپس خندید. گفته شد: ای امیر مؤمنان، چرا خندیدی؟ پاسخ داد: رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که همین کارها را انجام داد و سپس خندید. پس گفتم: ای رسول خدا! چرا خندیدید؟ فرمود: «إِنَّ رَبَّكَ يَعْجَبُ مِنْ عَبدِهِ إِذَا قَالَ: اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، يَعْلَمُ أَنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرِي»: «پروردگارِ تو تعجب می کند که بنده اش می گوید: مرا بیامرز؛ درحالی که خود می داند کسی جز الله گناهان را نمی آمرزد».

[صحیح است] [به روایت ترمذی - به روایت ابوداوود - به روایت احمد]

از علی بن ربیعه - یکی از بزرگان تابعین - روایت است که می گوید: نزد علی رضی الله عنه بودم که چارپایش آورده شد تا بر آن سوار شود؛ وقتی پایش را در رکاب گذاشت، «بسم الله» گفت و چون سوار شود و بر پشت آن قرار گرفت «الحمدلله» گفت؛ و الله متعال را به خاطر این نعمت بزرگ شکر و سپاس گفت؛ نعمت رام بودن حیوان و اطاعت وی از انسان به گونه ای که از شر آن در امانیم و آسیبی به ما نمی رساند. چنانکه در ادامه به این مساله تصریح می کند: «پروردگاری که این حیوان را برای ما رام نموده و در تسخیر ما آورده است، حال آنکه مسخر نمودن و رام کردن آن از توان ما خارج است. و ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم». و به این ترتیب بعد از حمدِ مقید به ثنا در برابر نعمتی که عطا نموده است، سه بار حمد و ستایش الله متعال می گوید بدون اینکه آن را مقید به چیزی ذکر کند؛ و تکرار آن، عظمت و جلال و بزرگی الله متعال را یادآور می شود و اینکه بنده چنانکه باید قدر و منزلت او را درک نکرده و به جا نیاورده است؛ درحالی که به اندازه ی توانش مامور به اطاعت از او می باشد. و در ادامه سه بار «الله اکبر» می گوید که تکرار برای مبالغه است. سپس می گوید: «سُبْحَانَكَ» یعنی تو را به صورت مطلق تسبیح و تقدیس می کنم. و در ادامه اعتراف می کند که: من با رعایت نکردن حق و حقوق تو و تقصیر و کوتاهی در شکر این نعمت بزرگ و غفلت از آن، به خودم ظلم نمودم؛ پس مرا بیامرز و گناهانم را با مواخذه و مجازات نکردنم بپوشان که کسی جز تو گناهان را نمی بخشد. و این جملات، اعتراف به تقصیر و کوتاهی با وجود نعمت های فراوانی است که الله متعال در اختیار ما قرار داده است. سپس علی رضی الله عنه می خندند. در نسخه ی تصحیح شده از «الشمائل» آمده که ابن ربیعه می گوید: گفتم: ای امیر مومنان، دلیل خنده ات چیست؟ چون علی رضی الله عنه چیزی را ندیده که باعث خنده ی وی شود، ابن ربیعه از سبب خنده اش سوال می کند و به رسم ادب ابتدا ایشان را ندا می دهد. علی رضی الله عنه در پاسخ به وی می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که چنین عمل می کرد و به هنگام سوار شدن این اذکار را هریک در محل خود خواند و سپس خندید؛ چون علت خنده ی ایشان را جویا شدم، فرمود: «پروردگارت از بنده اش تعجب می کند، آنگاه که می گوید: پروردگارا، گناهانم را ببخش و بیامرز؛ و این سخن را عالمانه و نه از روی غفلت می گوید و خوب می داند کسی جز من گناهانش را نمی

آمرزد و مورد مغفرت قرار نمی دهد».

https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/5271



